

سرمقاله

همه گروه های تروریستی باید هدف قرار گیرند

محمد رضا هویدا

از زمانی که نشانه های حضور داعش در افغانستان دیده شد، تا اکنون که داعش به یک نیروی تروریستی تبدیل شده مدتی می گذرد. در این مدت دولت افغانستان عکس العمل های متفاوتی داشته است. اولین عکس العمل دولت در برابر هشدارهایی مبنی بر حصول داعش در بخش هایی از کشور، با بی توجهی دولت روبرو شده و معمولاً از سوی مسئولین دولتی انکار شده است. در مرحله دیگری حضور داعش بزرگنمایی شده است. در این مدت داعش بسیار بیشتر از آنکه بود، نشان داده می شد و اکنون نیز داعش به عنوان یک تهدید جدی تلقی می شود و باید از بین برود. افغانستان شاهد حضور گروه های تروریستی فراوانی است. این گروه ها در قالب های متفاوت و نام های مختلف کار و فعالیت می کنند. طالب، داعش، شبکه حقانی، ... همه اسم های مختلفی هستند که برای فعالیت های تقریباً یکسانی داده می شود. افراط گرایی و خشونت وجه مشترک همه این گروه ها است. این گروه ها با استفاده از ابزارهای دینی و مذهبی و احساسات مردم به سربازگیری از مردم می پردازند. آنها علیه نیروهای دولتی و خارجی می جنگند، و به اهداف غیر نظامی حمله می کنند، از تروریسم انتحاری و انفجاری، بمب های کنار جاده ای و... برای کشتن افراد استفاده می کنند. بنابر این تفکیک حملات تروریستی از یکدیگر کار ساده ای نیست. خصوصاً در مناطقی که در ناامنی کامل به سر می برند، تفکیک حملات تروریستی از یکدیگر سخت است. در ضمن اگر فرض کنیم که در منطقه ای مثل غزنی که حضور داعش و طالبان و شبکه حقانی گزارش شده است، چگونه می توانیم با داعش مبارزه کنیم و با دیگران مدارا و تساهل؟

اولویت مبارزه با داعش به عنوان یک گروه کاملاً تروریستی و غیر انسانی که به هدف قتل و کشتار مردم بی گناه افغانستان قدم به این سرزمین گذاشته اند، یک اقدام عالی و کاملاً ضروری است که باید بسیار زودتر از اینها آغاز می شد و دولت می بایست هشدارها را در این زمینه جدی می گرفت، اما تفکیک گروه های تروریستی از یکدیگر نمی تواند منطقی و عملی باشد. وجود گروه هایی مثل طالب و شبکه حقانی سبب شده که گروه های تندروتری مانند داعش وارد افغانستان شده اند. طالبان و داعش و حقانی و ... از زمینه های مشترکی استفاده می کنند که زمینه حضور آنها در افغانستان را فراهم ساخته است. تقویت بنیادهای دولت و نیروهای نظامی و امنیتی کشور راهی است که باید در مقابل همه گروه های دهشت افکن و تروریستی گرفته شود، تا زمینه های خونین، افراط گرایی، تندروی و افراط گرایی از بین برود. در عین این صورت حتا اگر داعش از بین برود ولی بدیلی برای آن پیدا خواهد شد و از این زمینه ها استفاده خواهد کرد.

اداره کردن ادارات امنیتی توسط سرپرستان برای طولانی مدت، خود یکی از نشانه های بی توجهی دولت به امنیت پایدار در کشور است. در حالی که این وزارت خانه ها پیش از هر اداره دیگری دارای افسران ثابت در راس خود می شدند. بدون تردید مبارزه عملی با تروریسم و افراط گرایی و گروه های تروریستی تنها با بیانیه، جلسه و تصمیم های کلان نمی شود، بلکه باید عملاً وارد میدان مبارزه شد و از هر امکانی برای از بین بردن ناامنی بهره جست.

وضعیت بحرانی فعلی دولت را موظف می سازد تا به ولایاتی مثل هلمند، غزنی، بغلان و ... توجه نماید و علت های افزایش ناامنی را جستجو نماید. هر ولایتی که به نحوی ناامن می شود و یا از کنترل دولت خارج می شود، زمینه حضور همه گروه های تروریستی را فراهم می سازد. بدین جهت باید به ناامنی بیشتر و فراتر از طرز دید فعلی نگریسته شود.

فساد در لغت، به معنی تباهی، ستم، مال کسبی را گرفتن، گزند، زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری و در اصطلاح، به معنی سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوع از رفتار مقام های دولتی (خواه سیاستمداران و مدیران عالی سازمان دولتی و خواه مدیران میانی و عملیاتی - رده پایین) است که در آن، به طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آن ها، خود و نزدیکانشان را غنی می سازند. بنابراین، فساد به صورت کلی به عبور یا دور زدن مدیران از قوانین و مقررات اداری اشاره می کند؛ ممکن است دور زدن قوانین و مقررات به منظور استخدام خویشاوندان و فامیل یا دوستان و رفقای نزدیک و یا دریافت رشوه و هنگفت جهت انجام دادن امور مردم و ارباب رجوع باشد.

حکومت در طول پانزده سال شعارهای کلان مبنی بر مبارزه جدی در برابر فساد داده و تعهدهای کلان به مردم و جامعه جهانی به عنوان کمک کنندگان مالی سپرده است. در سه دور انتخابات ریاست جمهوری که برگزار شده است، فساد به عنوان یکی از مسایل جدی متبلا به مطرح شده و نامزدها وعده های جدی به مردم داده و مدعی شده اند که برنامه های مهم در این زمینه و عرصه روی دست دارند که در صورت برنده شدن اجرایی خواهند کرد. اما، علی رغم اقدام ها و تلاش های که صورت گرفته، می گیسرد و خواهد گرفت، مبارزه چندان جدی صورت نگرفته است. به عبارت دیگر نتیجه ملموس و عینی به چشم نمی آید. با این که پس از تشکیل حکومت وحدت ملی متهمان پرونده آبل بانک محاکمه شده و به زندان انداخته شده اند، اما گفته می شود که برخی از متهمان اصلی تر و جدی تر این پرونده، از معرکه دور مانده اند. همچنین در سایر ادارات و سازمان های دولتی، فساد در عرصه های مختلف بیداد می کند. پس، یک جای کار می لنگد. چرا تلاش های مبارزه با فساد نتیجه بخش نیست؟

اول) فساد اداری خاکستری شده است

فساد خاکستری رنگ

عبدالرحمن فهیمی



فساد به همه انواع و گونه های اش از نظر همه محکوم و مذموم است. اما نوع بی تفاوتی در برابر آن وجود داشته و در مواقع بندش امور، همه دست به آن زده و به عبارتی مرتکب می شوند. همه مردم رشوه دادن و رشوه گرفتن را محکوم می کنند، اما زمان که امور اداری خود شان در اداره بندش کند و با این که بخواهند سرعت بخشند، به راحتی و به سادگی به کارمندان دولتی پیشنهاد رشوه می کنند. همه واسطه گرای و «باند بازی» را محکوم می کنند، اما زمان که خود شان بخواهند در جایی مقرر شوند، به راحتی و به سادگی دنبال واسطه بوده و تلاش می کنند با اعمال فشار؛ تماس گرفتن مقام های عالی و یا تشریف آوری جناب نماینده مجلس استخدام شوند و با امورات دیگری را انجام دهند و... بنابراین، اکنون فساد در جامعه به پدیده خاکستری رنگ تبدیل شده است. با این که همه آن را محکوم می کنند، در موردش سخن مختلف بیداد می کند. پس، یک جای کار می لنگد. چرا تلاش های مبارزه با فساد نتیجه بخش نیست؟

وضعیت است که بخش کنترل یک وزارت خانه جهت تایید سفریه های کارمندان به راحتی پیشنهاد رشوه می کند، کارمندان می پردازد و خود شان هم ریگی در کفش دارند. (دوم) فساد سازمان یافته و نظام مند است در این وضعیت فساد پیشگان زنجیره ای ارتباطی را بین هم تشکیل داده و از ارائه اطلاعات در مورد یک دیگر پرهیز می کنند. رشوه دهندگان می دانند که در فلان سازمان دولتی باید به کی یا کی ها پول پرداخت کنند تا از گردنه عبور نمایند. متأسفانه نمایندگان مجلس را هم می توان در این دسته بندی جای داد. وقت که نامزد وزیران جهت کسب رای اعتماد به مجلس می روند یا استیضاح شده و می خواهند رای مجدد بسازند، می دانند که به کی یا کی ها پول پرداخت کنند تا او به همه نمایندگان هم کاسه اش توزیع کند. در سازمان های اجرایی نیز وضعیت به همین منوال است. وقت یک مدیر یا رئیس تخلف می کند، تخلفات و فساد او توسط مقام مافوق نادیده گرفته می شود و یا در مواقع حساس مورد حمایت قرار می گیرد. (سوم) فساد در سطح کلان و خرد است

برای این که پدیده فساد از حالت خاکستری و عادی خارج شود، بایستی مبارزه جدی فرهنگی در این زمینه صورت گیرد. مبارزه فرهنگی با فساد مانند بسیاری از پدیده های مضر دیگر تنها با چند تبلیغ تلویزیونی و برگزاری چند ورکشاپ و سمینار ممکن نیست و به هدف نایل نمی آید، بلکه بایستی به صورت جامع راه اندازی شود. باید در ذهن و فکر نسل آینده این سرزمین تغییرات ایجاد کرد که دیگر فساد به عنوان امر عادی جلوه گر نشود. امروزه وقت یک نفر جرم را مرتکب می شود، خود و خانواده اش به این فکر می افتند که سربازان و مدیران حوزه های پولیس یا مقام های عدلی و قضایی را چگونه و چند رشوه بدهند تا خود را آزاد کنند و بسا موارد متعدد دیگر. بنابراین بایستی با مبارزه فرهنگی رنگ خاکستری فساد را به رنگ سیاه تبدیل کرد.

مبارزه با مدیران عالی و شبکه های فساد هم در سطوح میانی و عالی سازمان های دولتی وجود دارد؛ مدیران و کارمندان سطح پایین و مدیران عالی و میانی دست به فساد می زنند. وضعیت طوری است که شیکه از مفسدين ایجاد شده که در موارد مختلف به همدیگر پاس می دهند. حتی ممکن است شبکه تشکیل شده با از وزارت فراتر گذاشته و به سازمان های عالی تر نیز برسد. بنابراین، مبارزه جدی و تمام عیار با این فساد پیشگان و شبکه های موجود بایستی صورت گیرد. این طوری نشود که کارمندان یا مدیران میانی به هر صورت بحث را که این نوشته موج می خواهد مطرح نماید این است که حکومت بایستی برنامه جامع و استراتژیک و در پرتو آن برنامه عملیاتی و اجرایی را تدوین کرده و در این عرصه به منصفه اجرا بگذارد. به قول آقای اشرف غنی برنامه منظم و منسجم در این عرصه ضرورت است. بنابراین، پیشنهادهای نوشته حاضر این است که:

اول) مبارزه فرهنگی

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی ضرورت توسعه پایدار

علی اصغر رضوانی/قسمت اول



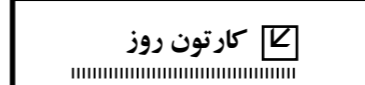
نگرفته و در دهه های اخیر با پیشرفتی که در همه علوم حاصل شده است پژوهشگران علوم زمین به اهمیت آنها پی برده و کار مطالعاتی خود را در مورد بررسی، شناسایی و معرفی آنان به جهانبان شروع کرده اند. پژوهش در مورد چنین پدیده هایی به قدری حایز اهمیت است که یونسکو از این گونه آثار تحت عنوان میراث طبیعی نام برده و کلیه کشورهای جهان را بر آن داشته است که در حفظ و حراست از آنها بکوشند، زیرا این پدیده های طبیعی فقط متعلق به یک کشور خاص نیست، بلکه متعلق به کره خاکی است و کره خاکی نیز زیستگاه تمامی مردم جهان است و در صورتی که به محیط زیست آسیبی وارد شود، بازتابهای این آسیب را تمامی انسانها احساس خواهند کرد(۷/ص ۳۱).

در بعد انسانی- فرهنگی نیز آثار مادی و معنوی به جامانده از پیشینیان ما حاصل تلاشهای مستمر، فنون، مهارت ها، ابتکارات، خلاقیت ها و بر خورد های اجتماعی فرهنگی آنان بوده است- ناگفته نماند که در ادبای این گونه آثار، گذشتگان ما از شرایط طبیعی حاکم در محل سکونتشان تأثیر پذیرفته اند و در ارتباط با آنچه که محیط طبیعی در اختیارشان قرار داده فعالیت می کرده اند. مسافرت های تجاری و جابه جایی کالا، همچنین مهاجرت استادکاران از منطقه های دیگر، خود موجب تبادل اطلاعات و کسب تجربه برای آنان شده و موجب پیدایش نوآوریها گردیده است که با عناوین مختلف از آنها نام برده می شود و امروزه بدان میراث فرهنگی می گویند. میراث فرهنگی شامل تمدن های باستانی و ویژگیهای خاص آنها مثل عادات محلی، آداب مربوط به خوراک و پوشاک، سبک های معماری، موسیقی، هنر، زبانهای محلی و ارزشهای اخلاقی و معنوی است. میراث فرهنگی حافظه جمعی است (۳/ص ۴۰) و می توان آن را توسعه داد، همان گونه که انسان با طبیعت در رابطه است و به منظور رفع نیازهای خود در محیط دخل و تصرف می کند و طبیعت نیز در محیطهای انسانی تأثیر گذار است، در نتیجه آثار به جای مانده از انسان و پدیده های موجود نیز در ارتباط با هم عملکرد داشته و نمی توان آنها را به طور مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بنابراین میراث فرهنگی و فرهنگی نه تنها جدای از یکدیگر قابل بحث و بررسی نیستند، بلکه در کنار هم و با تأثیر پذیری از یکدیگر توانسته اند چشم اندازهای متفاوت و متنوعی را به وجود آورند. از طرفی بین ویژگی چشم اندازهای طبیعی و تداعی معنوی رابطه نزدیکی وجود دارد.

جای گرفته بر همگان روشن است. افزایش بی رویه جمعیت، افزایش مصرف انرژی، افزایش دمای کره زمین، تخریب جنگلها و مراتع، از بین رفتن گونه های متفاوت گیاهی و حیوانی، بیابانزایی و پیشروی کویر، کاهش ذخایر آبهای زیرزمینی، شور شدن آبهای سطحی، فرسودگی و انهدام بناهای تاریخی و آثار فرهنگی، بهره برداری بی رویه از طبیعت و رهسا کردن انواع آلاینده ها در محیط زیست (زباله های اتمی، بیمارستانی، کارخانه های صنعتی) و مصرف بیش از حد سموم و مواد شیمیایی آثار زیانبار و خسارات جبران ناپذیری را به بار خواهد آورد(۱/ص ۸).

تروتهایی را در اختیار داشته اند، ولی پس از تصویب مقاله نامه های با عنوان میراث جهانی، شامل تروتهای فرهنگی و طبیعی که از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و ارزش جهانی کسب کرده اند، به اسمی بین المللی این امکان داده شده است تا در حفظ عناصر آن همکاری کنند. محیط زیست و میراث فرهنگی و طبیعی که هدیه الهی به بشر است به عنوان اندوخته ای بسارور و موزه ای ماندگار و زنده برای انسان تشکله و حریص است، انسان مصرف کننده، سازنده و مخربی که سالهای متمادی همزیست با آن است، و اینک بیش از هر زمان دیگر به ارزش و اهمیت آن پی برده و برای حیثات خود ناگزیر به حفاظت آن است و زمانی خواهد توانست به رشد و توسعه ای موزون، هماهنگ و پایدار دست یابد که با برنامه ریزیهای آگاهانه و عالمانه خود در حفظ و نگهداری آن بکوشد. بیان مسأله

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی برای تعادل بخشیدن به حیات انسانها و دستیابی به توسعه پایدار و سازمان یافته، که روند تکامل تمدن بشری را در پی خواهد داشت، از چنان اهمیتی برخوردار است که یک بسیج عمومی، جهانی، دولتی و مردمی را می طلبد. مردم باید محیطهای طبیعی و فرهنگی را به عنوان نهاد همبستگی معنوی در اجتماعات محلی خود تلقی کنند و پذیرند که همان گونه که با انهدام و تخریب محیط طبیعی زندگی بشر به خطر می افتد، ویرانی میراث فرهنگی و تاریخی نیز زندگی معنوی را به مخاطره می افکند. امروزه در تمامی کشورهای اهمیت حفاظت از محیط زیست که میراث طبیعی و فرهنگی در آن



بدون شرح



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com